

بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر میزان رضایت از زندگی در میان دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و مدیریت دانشگاه آزاد تهران شمال)

دکتر علیرضا محسنی تبریزی*

مهلقا حیدری**

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۱۰

چکیده:

این مقاله با استفاده از چارچوب نظری روانشناسی اجتماعی در نظر دارد به بررسی رابطه متغیر امنیت اجتماعی با متغیر رضایت از زندگی بپردازد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های رابط‌های می‌باشد که در آن ابتدا از روش اسنادی برای دریافت نظری و مرور یافته‌های تجربی در زمینه متغیرهای مورد مطالعه استفاده شده و در بخش دوم از روش پیمایشی (تکنیک پرسشنامه) برای جمع آوری اطلاعات در بین جامعه آماری (دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال) استفاده شده است. حجم نمونه تحقیق ۳۵۲ نفر و بین گروه سنی ۱۷ تا ۴۹ ساله بوده‌اند، که از بین ۴۳۵۰ نفر بر طبق فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که امنیت اجتماعی همبستگی بالایی (۰/۶۱) با میزان رضایت از زندگی در میان افراد مورد مطالعه دارد. البته در این پژوهش به بررسی ابعاد امنیت اجتماعی (شغلی، اقتصادی، امکانات رفاهی و بهداشتی، سیاسی و قضایی) پرداخته شد و نتایج نشان داد که امنیت شغلی (با ضریب ۰/۳۱) و امنیت اقتصادی (با ضریب ۰/۲۳) بالاترین تأثیر را بر میزان رضایت از زندگی دارند. بنابراین با توجه به اهمیت امنیت اجتماعی و رابطه آن با متغیر رضایت از زندگی باید در جستجوی راه‌هایی بود که میزان آن را افزایش داد که این امر نیازمند توجه به این مفهوم و مولفه‌های آن از سوی مسئولین و مردم است.

واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، امنیت اقتصادی، امنیت برخورداری از امکانات رفاهی

و بهداشتی، امنیت سیاسی و امنیت قضایی.

مقدمه

- بیان مسأله

اخیراً احساس رضایت (یا رضایت‌مندی) از زندگی، مورد علاقه جامعه‌شناسان و سایر رشته‌های مرتبط با توسعه قرار گرفته است. می‌توان گفت افراد زمانی در زندگی رضایت دارند که به لحاظ زیستی، روانی اقتصادی و اجتماعی از شرایط معینی برخوردار باشند. از این رو یکی از ویژگی‌های رضایت آن است که فرد از احساس سلامت، امنیت و سرزندگی بالایی برخوردار باشد.

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات.

انسان موجودی هدفمند و همیشه در پی ارزیابی از وضعیت زندگی می‌باشد و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد احساس رضایت نمی‌کند. شاید به جرأت بتوان گفت نهایت آمال هر انسانی، تحقق اهداف و آرزوهایش می‌باشد. (البته سطح اهداف و آرزو ریشه در شرایطی دارد که فرد در کنش متقابل با دیگران و وضعیت موجود به دست می‌آورد) از این رو امروزه هر جامعه‌ی توسعه‌یافته به فکر رضایت شهروندان خود می‌باشد زیرا رضایت از زندگی با توسعه اجتماعی و اقتصادی همخوانی و همبستگی بالایی دارد (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۳).

رضایت از زندگی نقش مؤثری در تکوین یا تغییر رویکردهای توسعه و برنامه‌ریزی اجتماعی دارد. به عبارتی تدوین برنامه‌های توسعه براساس داده‌های زمینه‌یابی اجتماعی، نوعی تغییر رویکرد در برنامه‌ریزی از بالا به پایین به وجود می‌آورد و منجر به تقویت نگاه از پایین به بالا در برنامه‌های توسعه و در پی آن، سیاست‌گذاری اجتماعی می‌شود. این نوعی دگرگونی در رویکرد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی است، چرا که داده‌های این الگو از پایین به بالا عرضه و طراحی می‌شوند.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی به مثابه‌ی ابزاری در جهت اجرای برنامه‌های توسعه‌های از یک سو مستلزم شناخت ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و از سوی دیگر مستلزم شناخت الگوهای تعاملات اجتماعی است. الگوی تعاملات در بستر جامعه سامان می‌گیرد. بنابراین شناخت ساختار و معضلات رفاهی جامعه موکول به جستجوی کم و کیف رضایت از زندگی نزد افرادی است که اساساً سیاست رفاه اجتماعی برای آنان تدوین می‌شود.

مطالعات جدید نشان می‌دهند که رضایت از زندگی، در کنار دو مفهوم شادمانی و احساس تعلق، مقیاس‌های بزرگ مفهوم بهزیستی ذهنی را سامان می‌دهد. تأکید محققان بر این است که شادی و خوشحالی ناظر است بر تجربه عاطفی (هیجانان و احساس‌ها)، در حالی که رضامندی بر تجربه شناختی یا داوران‌های دلالت دارد که به عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و پیشرفت قابل تعریف است. اولی انگیزشی و دومی شناختی است. این تعریف طیفی را تشکیل می‌دهد که از ادراک کامروایی^۱ تا حس محرومیت^۲ را در بر می‌گیرد (ازکمپ، ۱۳۷۷: ۸۰).

از دانشمندان نام‌آوری که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی کاربردی به تدوین مدل رضامندی زندگی مبادرت نمودند، آنگوس کمپل^۳، فیلیپ کانورس^۴ و ویلارد^۵ ال. راجرز^۵ را می‌توان نام برد. این گروه با تهیه فهرستی دوازده‌گانه از قلمروهای مهم زندگی به اندازه‌گیری جنبه‌های مشخصی از رضایت‌مندی پرداخته و به تدوین مدلی از عوامل مبادرت نمودند که در طبقه‌بندی رضامندی شخص در هریک از قلمروهای زندگی و شیوه‌های که بدان طریق رضامندی کلی در زندگی تعیین می‌شد، مؤثر بود. بر مبنای این مدل مشخص شد که موقعیت عینی معین در هریک از قلمروها مثلاً بهداشت، به‌عنوان یک عامل در ادراک فرد از آن واقعیت مؤثر است، اما آن ادراک ممکن است از موقعیت عینی (به لحاظ ویژگی‌های شخصی فرد) کاملاً متفاوت باشد. بنابراین موقعیت ادراک شده با معیارهای مقایسه شخص ترکیب شد تا ارزشیابی از آن قلمرو مشخص گردد. دوباره ویژگی‌های شخصی با ارزشیابی مشخص

¹. Fulfillment

². Deprivation

³. Angus Campbell

⁴. Philip Connors

⁵. Villard. I. Roger

ترکیب شد تا رضامندی در آن قلمرو تعیین شود. سرانجام، سطوح رضامندی در همه قلمروهای زندگی ترکیب شد تا رضامندی کلی از زندگی را مشخص کنند.

بدین ترتیب اگر فرض کنیم جامعه روی پیوستاری قرار گرفته که در یک سوی آن رضایت کامل از زندگی و در سوی دیگر نارضایتی کامل از زندگی وجود دارد، چنین فرضی ایجاب می‌کند وضعیت‌هایی که در آن صورت‌ها و درجات متفاوتی از رضامندی شکل می‌گیرد را بررسی کرده و پیامدهای آن را نشان دهیم.

این پژوهش در نظر دارد موضوع رضایت از زندگی و تعامل آن را با امنیت اجتماعی به عنوان مقیاسی از مقیاس‌های رفاه اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. بنابراین دو مفهوم یاد شده در این پژوهش هم دارای ابعاد ذهنی و روان شناختی و هم دارای ابعاد عینی اقتصادی- اجتماعی هستند.

در نتیجه مسئله مورد پژوهش در گام اول سنجش رضایت از زندگی و ابعاد آن بوده و در گام دوم شناسایی ابعاد امنیت اجتماعی ناظر بر آن می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

برخی از صاحب‌نظران رضایت را خشنودی برآمده از یک وضعیت راحت می‌دانند که معمولاً با ارضای برخی تعاملات خاص پیوند خورده است. از نگاه روانشناختی رضایت حالتی هیجانی است که با رسیدن به یک هدف پدید می‌آید، به عبارت دیگر خوشحالی فرد از آنچه که به او داده می‌شود و رضایت یک فرد در برطرف شدن نیازهای شخصیتی وی می‌باشد. یک فرد هنگامی رضایت کسب می‌کند که به خواسته‌ها و اهداف و آرزوهایش دست یافته باشد. البته رضایت می‌تواند نوعی به دست آوردن تجربه و ارزیابی آن نیز باشد. فرد ممکن است تجربه لذت بخش داشته باشد که منجر به نارضایتی و یا رضایت گردد. به این علت که با وجود لذت بخش بودن تجربه، به آن جذابیتی که فرد تصور می‌کند و یا انتظار دارد نیست، بنابراین رضایت یا عدم رضایت، صرفاً یک احساس نمی‌تواند باشد بلکه می‌تواند ارزیابی از یک احساس باشد (ازکمپ، ۱۳۸۵: ۲۶).

از تعاریف رضایت برداشت می‌شود که سطح و درجه رضایتمندی افراد متفاوت و متناسب با ادراک‌ها و ارزش‌های افراد شکل متفاوتی به خود می‌گیرد و رضایت علاوه بر تامین انتظارات فرد تامین نیاز فرد نیز هست. زمینه‌یابی در موضوع "رضایت از زندگی" ضمن اهمیت اجتماعی لازم در ساماندهی و جهت‌دهی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی، از اهمیت سیاسی برای دولت‌ها نیز برخوردار است. چرا که به مثابه شاخصی در نشان دادن میزان رضایتمندی اقشار اجتماعی از عملکرد دولت‌ها می‌باشد. همچنین تولید برنامه‌های اجتماعی بر مبنای میزان رضایتمندی اقشار اجتماعی از زندگی، جهت‌گیری اجتماعی را در راستای حرکت واقعی جامعه قرار داده و به هم‌سویی اهداف با عملکردها یاری می‌رساند.

مراقبت روند تغییرات کیفیت اجتماع که موضوعی است در سطح کلان و کنترل تغییرات کیفیت زندگی که به کنترل منابع فردی و استاندارد کلی زندگی بر می‌گردد، از طریق جمع‌آوری اطلاعات راجع به این‌که مردم زندگی‌شان را چگونه ارزیابی نموده و جایگاه اجتماعی آن‌ها چگونه بر رفاه ذهنی‌شان تأثیرگذار است، می‌تواند گامی به سوی تشخیص بسیاری از موضوع‌ها در حوزه رفاه باشد. موضوعاتی مانند تغییرات گسترده در شرایط

زندگی که برای مثال نیازمند تقویت انسجام اجتماعی است، یا اطلاعات درباره اعتماد به نظام سیاسی، یا ارزیابی خدمات عمومی، یا این که مردم درباره نقش ساختارهای اجتماعی در زندگی‌شان چگونه احساسی دارند و یا فرصت‌های زندگی را چطور ارزیابی می‌کنند، همگی مواردی هستند که لزوم و اهمیت بررسی رابطه بین شرایط عینی زندگی و ارزیابی‌های ذهنی افراد از طریق سنجش و تبیین "رضایت از زندگی" را نشان می‌دهند. اساساً تثبیت یک کیفیت زندگی مناسب در جامعه، مستلزم رسیدگی به کیفیت اجتماع هم هست که این دو در ارتباط بلافصل با موضوع سیاست‌گذاری اجتماعی قرار می‌گیرند.

ادراکات و استنباطات اجتماعی، قضاوت درباره خدمات عمومی و ارزیابی سیاست‌های اجتماعی، را می‌توان به مثابه دریچه‌ای که از طریق آن قیدها و محدودیت‌های اجتماعی از یک سو و انتخاب‌های اجتماعی از سوی دیگر قابل دیدن می‌شوند، تعبیر کرد. بنابراین اندازه‌گیری موقعیت روان‌شناختی افراد، آرزوها، ارزش‌ها، باورها، ادراکات و نگرش‌ها برای درک کیفیت زندگی افراد و جامعه و تغییرات آن، اهمیت بنیادین دارند.

اگرچه ابزارهای سیاست‌گذاری اجتماعی، نمی‌توانند بر حالات روحی و احساسات افراد، مبتنی باشند، اما شناخت ادراکات و ارزیابی‌های ذهنی افراد است که ساختار انتخاب‌های زندگی و راهکارهای آنان را سامان می‌دهد و تمرکز بر رفاه ذهنی در اندازه‌گیری رضایت از زندگی، به معنای توجه به آن مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی است که مواردی از ارزیابی مردم از شرایط زندگی‌شان، فرصت‌هایی که به روی آن‌ها گشوده است، ترجیحات و انتظارات آن‌ها، پذیرش اجتماعی و تطابق‌هایشان را در بر می‌گیرد و این به خوبی، سیاست‌گذاران را از این که افراد چگونه درباره شرایط زندگی‌شان و در کل، مجموع‌های که زندگی آن‌ها را اداره می‌کند، قضاوت می‌کنند، آگاه و مطلع می‌سازد. سیاست‌گذاران می‌توانند از نتایج پیمایش‌های رضایت از زندگی، همچون پایه و شالوده‌های در ایجاد بهبود در شرایط زندگی یک جامعه، استفاده نمایند.

ترقی و رشد شرایط مادی زندگی تن‌ها یک بُعد از اهمیت مداخلات سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است و بُعد دیگر آن، توسعه رفاه و خوشبختی فردی در معنای کلی آن است. بنابراین اندازه‌گیری شاخص‌های ذهنی رفاه و رضایت از زندگی می‌تواند به سیاست‌گذاران در زمینه شناخت احساس مردم درباره کلیتی که در آن زندگی می‌کنند، این که چه می‌خواهند و چه چیزی برایشان مهم است و نیازهای واقعی‌شان چیست، یاری رساند، چرا که اساساً عواملی که سطوح رضایت‌مندی را تعیین می‌کنند، در حیات اجتماعی، ورای کنترل افراد هستند.

چگونگی ارزیابی شرایط زندگی در یک جامعه، تأثیر مهمی بر نگرش‌های رضایت‌مندی، ترجیحات و پذیرش اجتماعی دارد. وقتی افراد به قضاوت درباره شرایط زندگی‌شان می‌نشینند، به معتبرترین روش، می‌توان خطوط راهنمای سیاست‌گذاری اجتماعی را ترسیم کرد، به ویژه شناسایی گروه‌های خطری که از یک کیفیت ذهنی بسیار ضعیف زندگی رنج می‌برند، حوزه‌هایی مهم و کلیدی برای مداخلات سیاست‌گذاری اجتماعی محسوب می‌شوند.

در این راستا مازلو،⁶ به عنوان یک روانشناس، معتقد است که پویایی و بی‌پایانی، تابع قانونمندی ویژه‌ای است. وی نیازهای انسانی را نوع ویژه‌ای از غرایز می‌داند که در حیوانات یافت نمی‌شوند. بیشتر روانشناسان درباره

6. Maslow

نیازها سخن‌گفت‌هاند، اما نظریه مازلو درباره نیازها و سلسله مراتب آن‌ها در انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر اساس نظریه مازلو نیازهای انسانی به ۵ دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی
- ۲- نیاز به امنیت و اطمینان
- ۳- نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران
- ۴- نیازهای من یا صیانت ذات، نیاز به احترام
- ۵- نیازهای خودیابی و تحقق خویشتن

بر مبنای این چارچوب نیاز به امنیت (اشتغال، رفاه، سلامت) به عنوان یکی از عوامل اجتماعی موثر بر میزان رضایت از زندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد (مازلو، ۱۳۶۷).

براساس نظریه مازلو انسان موجودی نیازمند است که درجه کامروایی او تابعی از ارضای نیازهای اوست. بنابراین رضایت از زندگی نیز تابعی از ارضای نیازهای انسان می‌باشد و نوع نگرش افراد به زندگی نیز تابعی از رضایت‌مندی آنان می‌باشد. رضایت‌مندی تابعی از ارضای نیازهای یک فرد در جامعه می‌باشد. در بُعد نظم و امنیت نیز جامعه باید نیاز به امنیت شهروندان را فراهم سازد تا در پناه این پذیرش اجتماعی به فعالیت خود پردازند (Singer, 1990، به نقل از هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۴).

بدین ترتیب رضایت از زندگی یکی از اصول اساسی زندگی اجتماعی است که نسبتاً دیر به حوزه علوم اجتماعی راه یافته است. در زمینه رضایت از زندگی صاحب‌نظران تعاریف متعددی را ارائه داده اند و حتی همان طور که اسمیت بیان می‌کند در بیشتر اوقات به نظر می‌آید که، دانشمندان بین واژه رضایت از زندگی و کیفیت زندگی تفاوتی قائل نشده‌اند. مفهوم رضایت از زندگی به نگرش فرد درباره زندگی خود اطلاق می‌شود و کسی که رضایت از زندگی او در سطح بالایی باشد به زندگی‌اش نگرش مثبت دارد ولی کسی که از زندگی‌اش ناراضی است نگرش وی نسبت به زندگی‌اش منفی است. "دیویس و نواتسورم"^۱، رضایت از زندگی را مجموعه‌هایی از احساسات سازگار و ناسازگار می‌دانند که زندگی او در احساس‌ها به خود می‌نگرند و نشانی از همسویی توقعات انسان با پاداش‌هایی است که زندگی برای او فراهم می‌آورد. به طور کلی می‌توان گفت که، رضایت از زندگی نوعی احساس مثبت فرد نسبت به زندگی‌اش می‌باشد که زائیده عواملی مانند: شرایط زندگی، روابط حاکم بر زندگی و تاثیر عوامل فرهنگی است. پس می‌توان در یک منظر کلی بیان نمود که، رضایت از زندگی، احساسی روانی است که از عوامل اجتماعی نیز متأثر می‌باشد. در نتیجه رضایت از زندگی را می‌توان مفهومی ذهنی و برداشت کلی فرد از زندگی خود تلقی نمود.

به طور کلی سه نوع رضایت از زندگی از یکدیگر تفکیک می‌شوند که به سه منبع رضایت اشاره دارد:

¹. device & novatsorm

۱- رضایت ناشی از برخورداری: این نوع رضایت بیشتر به امکانات و میزان برخورداری افراد از امکانات بستگی دارد. عموم افراد تصور می‌کنند که میزان رضایت، حاصل از میزان دسترسی به امکانات و برخورداری از درآمد مناسب است؛ اگر موارد بسیار شدید و افراطی فقر را کنار بگذاریم، خشنودی و رضایت از زندگی در تمام سطوح در آمدی دیده می‌شود، در صورتی که ممکن است حتی بالا بودن میزان برخورداری هم، احتمال ایجاد پریشانی و عدم رضایت از زندگی را موجب شود.

۲- رضایت از زندگی ناشی از ارتباط: دومین نوع رضایت به رابطه اجتماعی بستگی دارد. رابطه اجتماعی برحسب نوع، شدت و درگیری عاطفی، بر رضایت از زندگی اثر می‌گذارد. میزان رابطه اجتماعی بر رضایت فرد موثر است و اساس رابطه اجتماعی، منبع مهم رضایت از زندگی محسوب می‌شود.

۳- رضایت ناشی از بودن: این که ما هستیم، در قضاوت ما از کیفیت زندگی موثر است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رضایت از خود با مقولات اجتماعی متفاوت مانند سواد، درآمد یا سن ارتباط ندارد بلکه این رضایت بیشتر با احساس کنترل بر زندگی خود، در مقابل این احساس که زندگی ما توسط نیروهای بیرون از ما کنترل می‌شود، مرتبط است. این احساس که زندگی چقدر دارای معنا و جهت است، بر رضایت موثر است. این مسئله که جامعه‌شناسی آن را بیگانگی اجتماعی و یا بی‌معنایی در زندگی می‌خوانند، بر رضایت افراد موثر است (عبوی، ۱۳۷۸ و غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۴).

دو رویکرد مطرح در حوزه رضایت از زندگی

دو رویکرد کاملاً مجزا در پژوهش‌های رضایت از زندگی وجود دارد که هر کدام از این رویکردها به شیوه متفاوت و در تقابل با یکدیگر به مقوله رضایت نظر می‌کنند. این دو رویکرد عبارتند از: رویکرد اسکاندیناوی در مقابل رویکرد آمریکایی.

۱- رویکرد اسکاندیناوی: این رویکرد در کشورهای اروپایی دنبال می‌شود و توسط جان درینوسکی و ریچارد تیموس شکل گرفته است. بر مبنای این رویکرد به شرایط عینی زندگی و تعیین کننده‌های مرتبط با آن‌ها تاکید شده و ارضای نیازهای اولیه و عینی افراد بیشتر مورد تاکید هستند.

۲- رویکرد آمریکایی: در بیشتر پژوهش‌هایی که در این رویکرد انجام شده، پژوهشگران بیشتر به تجارب ذهنی افراد در زندگی توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تاکید کرده‌اند. از تاثیرگذاران این رویکرد می‌توان به روان‌شناسی اجتماعی توماس اشاره نمود. کمپل به عنوان یکی از طرفداران این دیدگاه معتقد است که شهروندان خود بهترین قضاوت کنندگان درباره موقعیت زندگی خود می‌باشند. به طور کلی در این رویکرد رضایتمندی و خوشبختی به عنوان معرف اصلی سنجش به کار برده می‌شوند. به عبارت دیگر توجه به وجه ذهنی در پژوهش‌های آمریکایی در مقابل پژوهش‌های رضایت از زندگی در کشورهای اروپایی بسیار مورد توجه بوده است (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

اما در مورد امنیت که مفهوم دوم مورد مطالعه در این پژوهش می‌باشد، شایان ذکر است که مکاتب فکری و نظریه‌های سیاسی و اجتماعی بحث امنیت و نظم اجتماعی را از زوایای متفاوت مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه از رهیافت نظری مبتنی بر رهیافت ساختی - کارکردی و تفسیری استفاده می‌شود.

از دیدگاه کارکردگرایان ساختاری بسترهای اجتماعی که جامعه بر اساس آن‌ها قوام و دوام می‌یابد، به‌عنوان تولیدکننده امنیت اجتماعی محسوب می‌شوند؛ این بسترها خود تحت تأثیر متغیرهای کلانی چون فرهنگ، سیاست، اقتصاد، تاریخ و جمعیت و ... می‌باشند. اگر در جامعه این بسترها به صورت هماهنگ در ارتباطی پویا با یکدیگر قرار گرفته باشند، یک ثبات نسبی در بحث امنیت اجتماعی به وجود خواهد آمد. اما در صورت وجود شکاف و یا گسل بین هریک از این متغیرها، خطرات بالقوه، امنیت اجتماعی را تهدید خواهد کرد. وجود چنین گسل‌هایی در اغلب جوامع امروزی امری تقریباً طبیعی بوده و به درجات متفاوت قابل دیدن می‌باشد؛ هر یک از این گسل‌ها به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند به شکلی ظاهر و بر امنیت اجتماعی اثر می‌گذارند. بر این اساس واقعیت احساس نامنی، ساختاری است که به خشونت‌های شهری، شکل و نوع بزهکاری بستگی دارد. در این میان مشارکت مردم در ایجاد نظم و امنیت جامعه می‌تواند به ثبات این خرده سیستم‌ها کمک کند تا به تشکیلات خرده سیستم‌های نظام اجتماعی لطم‌های وارد نشود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵).

مرتون^۸ هدف خود را کشف این نکته می‌داند که برخی ساختارهای اجتماعی، چگونه فشار معینی را بر بعضی از افراد جامعه وارد می‌کنند که این افراد به جای هم‌نوایی، ناهمنوا می‌شوند (ترنر و آل بیگی، ۱۳۷۰: ۴۳۸). او ریشه عدم امنیت اجتماعی را در شکاف میان دو عنصر اساسی ساختار فرهنگی جستجو می‌کند. عنصر اول اهداف و عنصر دوم شیوه‌ها (راه‌ها و هنجارهای مشروع رسیدن به اهداف می‌باشد). هر گروهی ناگزیر است تا اهداف فرهنگی خود را با راه‌های مجاز و نهادی شده منطبق کند. با این وجود، این روش‌ها و هنجارهای نظم دهنده، با راه‌های کارآمد و فنی یکی نیستند، بلکه راه‌های دیگری نیز وجود دارند که کارآمد بوده و نیل به اهداف را آسان می‌سازند، ولی با هنجارها و دستورات اخلاقی جامعه تضاد دارند و امنیت اخلاقی جامعه را تهدید می‌کنند. که عبارتند از: احتکار، سرقت، تقلب و نظایر آن. هنگامی که میان اهداف فرهنگی و راه‌های نهادی شده، هماهنگی وجود نداشته باشد، فریبکاری، فساد و رشوه خواری، روسپیگری و ارتکاب انواع جرائم افزایش و امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد.

مرتون تداوم گسست و شکاف میان الگوهای اهداف فرهنگی و هنجارها یا راه‌های نهادی شده را موجب بی‌ثباتی و ناامنی جامعه می‌داند که در واقع همان آنومی است. در نظریه مرتون جامعه وقتی دچار ناامنی می‌شود که تعادل میان اهداف و ارزش‌های فرهنگی با راه‌ها و امکانات اجتماعی بهم بریزد، به طوری که افراد جامعه قادر نباشند از طریق هنجارهای مورد پذیرش جامعه و امکانات و وسایل مجاز به اهداف و مطلوب‌های فرهنگی جامعه دست یابند، در نتیجه این عدم تعادل ساختاری، زمینه اجتماعی برای بروز رفتارهای نابهنجار و انحرافات اجتماعی فراهم شده و امنیت اخلاقی و اجتماعی جامعه سلب خواهد شد. بحث امنیت اجتماعی از دیدگاه دورکیم نیز قابل تفسیر است، به نظر دورکیم نظم اخلاقی یا وجدان اخلاقی نیرویی است که بر خواهش‌ها و امیال درونی انسان مهار

می‌زند. این نظم اخلاقی به صورت وجدان جمعی در می‌آید و امیال سیری ناپذیر انسان را کنترل می‌کند. وقتی تغییرات ساختاری (ناشی از پیشرفت یا پسرفت اقتصادی) یک ساخت هنجارمند را به هم می‌ریزد، امیال سیری ناپذیر از قید هنجارها آزاد می‌شوند، اما منابع اقتصادی و اجتماعی برای پاسخ به خواهش‌ها، ماهیتاً محدود است، فرد نمی‌داند که نمی‌تواند به هر خواهشی دست یابد و رقابت برای رسیدن به هدف‌هایی دست نیافتنی افزایش می‌یابد. لذت، در رقابت است، هدف، دست‌نیافتنی است، کوشش‌ها افزایش می‌یابد و نتیجه کمتر حاصل می‌شود. در این وضعیت شوق زندگی از میان می‌رود و در نتیجه زمینه‌گرایی به انحراف و ناامنی در جامعه فراهم می‌گردد که در آن نظم‌های اجتماعی لازم گسیخته می‌شود و نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی، کارایی خود را از دست می‌دهد. در حقیقت آنومی به وضعیتی در جامعه اشاره دارد که با فقدان و هماهنگی در روابط همراه است. مسأله امنیت و نظم اجتماعی از نقطه نظر منشأ، کمیّت و کیفیت، حفظ و سازمان یا اختلال در آن، در کانون توجه دورکیم است. به نظر دورکیم، مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی و... . نظم، فراگردی غیرارادی است که از درون جامعه خود به خود می‌جوشد، آنچه حافظ نظم است، عنصری اخلاقی است. بر این اساس استحکام اخلاق به‌عنوان پایه نظم اجتماعی در اندیشه دورکیم مستلزم استحکام قواعد، ارزش‌ها و هنجارها و عناصر آن - اقتدار، تقدس، مطلوبیت آن‌ها، تقویت روابط اجتماعی و انسانی و وجود آزادی توأم با آگاهی برای گسترش مشارکت داوطلبانه مردم در تمسک به ارزش‌ها - می‌باشد. در واقع، عصاره امنیت اجتماعی در جامعه، برقراری روابط اجتماعی، وفاق اجتماعی و مشارکت مردمی است (لرنی، ۱۳۸۳: ۹۹).

از دیدگاه تفسیری، امنیت در جامعه زمانی به وجود می‌آید که حقوق اجتماعی شهروندان شناخته شده و رعایت شود و به نظر و دیدگاه آن‌ها اهمیت داده شود. بنابراین، اهمیت دادن به تعاملات نیروهای خلاق مردمی، تخصصی کردن حوزه‌های عمل و ساختارهای پلیس، حضور اجتماعی آن‌ها در متن جامعه و مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت، از برجسته‌ترین نکات دیدگاه تفسیری است. پس، برقراری اصل نظم و امنیت اجتماعی بر عهده مردم و فرهنگ جامعه است و در این راستا مشارکت مردمی و تنظیم روابط و تعامل با پلیس از مهم‌ترین اصول در تحقق امنیت در جامعه است. نظریه‌پردازان تعامل‌گرایی برای معنایی که بازیگران به ساختارهای اجتماعی نسبت کمتری می‌دهند، اهمیت ویژه‌ای قائل هستند و معتقدند که هرچه وضعیت‌های فراروی افراد از ساختمندی کمتری برخوردار باشند، این بُعد معنایی، اهمیت بیشتری خواهد داشت. هنگامی که نظام‌های ارزشی موجود (پلیس و...) بنیان محکمی برای عمل اجتماعی ایجاد نکنند، هنجارهای جدیدی ظهور می‌کنند که وضعیت موجود را نادرست دانسته و توجیهی برای اقدام فراهم می‌نمایند. در این مکتب، تغییرات ساختار اجتماعی (سازمان پلیس و...) و امنیت اجتماعی در چارچوب یک فرایند تکامل فرهنگی تفسیر می‌گردند، فرایندی که طی آن ایده‌های جدیدی در اذهان افراد ظهور می‌کند. وقتی هنجارهای سنتی دیگر نمی‌توانند یک ساختار رضایت‌آمیز برای امنیت اجتماعی افراد ارائه دهند، فرد مجبور است امنیت اجتماعی را از طریق اشکال گوناگون ناسازگاری به چالش بکشد. رویکردهای جدید امنیت اجتماعی را به معنی احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان اضطراب و معطوف به حفظ روش و نوع زندگی می‌دانند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۹). این برخورداری از آموزش، دستیابی به اطلاعات نو، آزادی و احترام متقابل برای امنیت لازم است و تعرض به این حوزه‌ها تهدیدی برای امنیت اجتماعی می‌باشد (لويس، ۱۳۸۰: ۲۹۱ به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۸).

پیشینه پژوهش

لازم است که در پیشینه به چند پژوهش در حوزه امنیت و رضایت اجتماعی پرداخته شود. مکتب روان‌شناسی اجتماعی آمریکایی که به موضوع رضایت از زندگی یعنی ارزیابی افراد از شرایط می‌پردازد، رضایت از زندگی را امری ذهنی می‌داند که با مفهوم "احساس بهزیستی و خوشبختی" متبلور می‌شود. دستیابی به منابع بیرونی مانند ثروت، مقام، رفاه و... به تنهایی الزاماً به رضایت نمی‌انجامد (مایرز، ۱۹۹۲: ۲۷).

مطالعات جدید نشان می‌دهد که رضایت از زندگی، در کنار دو مفهوم شادمانی و احساس تعلق، مقیاس‌های بزرگ مفهوم بهزیستی ذهنی را سامان می‌دهند. تأکید محققان بر این است که شادی و خوشحالی ناظر است بر تجربه عاطفی (هیجانان و احساس‌ها)، در حالی که رضامندی بر تجربه شناختی یا داوران‌های دلالت دارد که به‌عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و پیشرفت قابل تعریف است. اولی انگیزشی است و دومی شناختی، این تعریف طیفی را تشکیل می‌دهد که از ادراک کامروایی^۹ تا حس محرومیت^{۱۰} را در بر می‌گیرد (ازکمپ، ۱۳۷۷: ۸۰).

از دانشمندان به نامی که در حوزه روان‌شناسی اجتماعی کاربردی به تدوین مدل رضامندی زندگی مبادرت نموده‌اند، می‌توان از آنگوس کمپل^{۱۱}، فیلیپ کانورس^{۱۲} و ویلارد. ال. راجرز^{۱۳} نام برد. این گروه با تهیه فهرستی دوازده‌گانه از قلمروهای مهم زندگی به اندازه‌گیری جنبه‌های مشخصی از رضایت‌مندی پرداخته و به تدوین مدلی از عوامل مبادرت نمودند که در طبقه‌بندی رضامندی شخص در هر یک از قلمروهای زندگی و شیوه‌های که بدان طریق رضامندی کلی در زندگی تعیین می‌شود، مؤثر بود. بر مبنای این مدل مشخص می‌شد که موقعیت عینی معین در هر یک از قلمروها مثلاً بهداشت، به‌عنوان یک عامل در ادراک فرد از آن واقعیت مؤثر است، اما آن ادراک ممکن بود از موقعیت عینی (به لحاظ ویژگی‌های شخصی فرد) کاملاً متفاوت باشد. بنابراین موقعیت ادراک شده با معیارهای مقایسه شخص ترکیب شد تا ارزشیابی از آن قلمرو مشخص گردد. مجدداً ویژگی‌های شخصی با ارزشیابی مشخص ترکیب شد تا رضامندی در آن قلمرو تعیین شود. سرانجام، سطوح رضامندی در همه قلمروهای زندگی ترکیب شد تا رضامندی کلی از زندگی را مشخص کنند (ازکمپ، ۱۳۷۷: ۷۰).

تأکید کمپل و همکارانش در مصاحبه‌ها بر قلمروهایی از زندگی مانند حکومت ملی، زندگی خانوادگی، بهداشت، دوستی، خانه‌داری و کار متمرکز بود. شاخص‌ها با اعتبار و روایی بالا ثبات نتایج را در پی داشتند. اولین یافته عمده در مطالعه کمپل آن بود که اغلب آمریکایی‌ها از رضامندی عمومی از زندگی به‌عنوان یک کل صحبت می‌کنند و یکی از قوی‌ترین همبستگی‌ها بین رضامندی کلی و وضع ازدواج به‌دست آمد. پژوهشگران با مقایسه

9. Fulfillment

10. Deprivation

3. Angus Campbell

4. Philip Connors

5. Villard .L.Rogers

رضامندی کلی و خشنودی،^{۱۴} دیدگاه خود را مبنی بر این که شاخص‌های دو مقیاس تا حدی جنبه‌های متفاوتی از زندگی می‌سنجند، را درست یافتند (ازکمپ، ۱۳۷۷: ۸۲).

رونالد اینگل‌هارت^{۱۵} (۱۳۷۷) تحقیقی در مورد رضایت از زندگی و توسعه دارد، در آن تحقیق آمده است که رضایت از زندگی و خوشبختی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی متناسب است. در این میان امنیت اقتصادی باعث سطح بالای رضایت از زندگی می‌شود، از این رو باید انتظار داشته باشیم ملل مرفه سطوح نسبتاً بالاتر رضایت از زندگی را نسبت به ملل فقیر نشان دهند. همبستگی کلی بین تولید سرانه ناخالص ملی و رضایت از زندگی، ۶۷ درصد است (اینگل‌هارت، ۱۳۷۳: ۳۳).

نورمن برادبورن^{۱۶} و دیوید کاپلویتز^{۱۷} از مرکز ملی بررسی افکار (NORC)^{۱۸} آمریکا از اولین کسانی بودند که دست به سنجش احساس میزان رضایت و امنیت مردم زدند. آن‌ها به اهمیت رضایت از زندگی در سیاستگذاری توسعه اجتماعی و برنامه ریزی‌های ملی دولت‌ها اشاره کرده‌اند (Hewson, 2001:25).

کانورس (۱۹۷۶)، در پژوهشی با عنوان "بهریزی در آمریکا"، اینگل‌هارت (۱۹۹۰) در کتاب "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی" و همچنین نتایج سایر پژوهش‌ها حکایت از آن دارند که ۲۰ درصد مردم جوامع غربی خود را خوشبخت می‌دانند و از زندگی خود کاملاً رضایت دارند، ۵۸ درصد نسبتاً خوشبخت و ۲۰ درصد خود را چندان خوشبخت نمی‌دانند (اینگل‌هارت، ۱۳۷۳: ۲۴۸).

احساس رضایت با بیگانگی و بی‌اعتمادی همبستگی منفی دارد (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۶).

رضایت از زندگی با امنیت شغلی همبستگی دارد (ازکمپ، ۱۳۷۰: ۲۷۸).

احساس امنیت با رضایت از زندگی دارای همبستگی قوی بوده و هر دو از شاخص‌های کلیدی رفاه اجتماعی محسوب می‌شوند (Safari shali, 2010:4).

در ادامه در ارتباط با امنیت به ذکر چند پژوهش مرتبط با موضوع پرداخته خواهد شد:

حمید انصاری (۱۳۸۲)، پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا - با استفاده از تکنیک پرسشنامه - در ۲۲ منطقه شهر تهران انجام داده. نتایج وی نشان می‌دهد که بین شاخص‌هایی چون اعتماد، یگانگی اجتماعی، قانون‌گرایی، وجدان کار و رضایتمندی اجتماعی با امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۸۱).

غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۲)، در پژوهشی با عنوان "بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی" که از روش پیمایش بهره گرفته است، به این نتیجه رسیده که بین ویژگی‌های سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و موقعیت شغلی شهروندان و مشارکت آن‌ها در ایجاد امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که گرایش افراد به امنیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی هم با گسترش امنیت شهروندان رابطه معناداری دارد (خوش‌فر، ۱۳۸۲: ۲۷۵-۲۹۵).

14. happiness

2. Ronald Inglehart

3. Norman Bradburn

4. David Caplovitz

5. National Opinion Research Center

رضا صفری شالی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای پژوهشی به بررسی رابطه دو سازه "احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی" می‌پردازد. وی برای بررسی این موضوع از یافته‌های پیمایش انجام شده در شهر قزوین استفاده کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی بالاترین ضریب همبستگی (۰/۷۴) را با سرمایه اجتماعی دارد و در مدل یابی معادلات ساختاری مشخص شده که بالاترین ضریب مسیر (۰/۴۰) را بر سرمایه اجتماعی داشته است. از طرف دیگر وجود و گسترش سرمایه اجتماعی خود باعث بازتولید امنیت اجتماعی می‌گردد و در صورت فرسایش هریک، دیگری نیز دچار فرسایش خواهد شد.

بدین ترتیب با توجه به جایگاه امنیت، آن را در بُعد وسیع و به معنای عام تأمین اجتماعی آن در نظر گرفته و برای تعریف آن چند پیش فرض را مد نظر داشته ایم: اول اینکه مفهوم امنیت صرفاً در برگیرنده خشونت، آشوب و نابسامانی سیاسی یا نظارت سیاسی نیست، بلکه همه ابعاد زندگی جسمی، روحی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. دوم اینکه امنیت مقوله‌ای آموزشی و پرورشی است و در نهایت پیش فرض سوم ما این است که امنیت یک مقوله استاتیک نیست بلکه یک فرایند یا پدیده دینامیک است که محدود به یک ساخت یا نظام رسمی در یک دوره خاص نیز نخواهد بود. با توجه به سه پیش فرض یاد شده، امنیت اجتماعی عبارت است از: شرایط و موقعیتی که آسودگی خیال و آزادی فکر، عقیده و زمینه فعالیت را برای افراد آن جامعه به همراه دارد.

بدین ترتیب با توجه به مباحث مطرح شده در بحث مبانی نظری و پیشینه پژوهش می‌توان خاطر نشان کرد که رابطه مستقیمی بین دو متغیر امنیت اجتماعی و رضایت برقرار است.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های رابطه‌ای است که در دو سطح توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. بدین صورت که در ابتدا به بیان توصیفی نظر پاسخگویان در مورد هر یک از سوالات پرسشنامه پرداخته شده و در مرحله بعد به تحلیل روابط بین متغیرها اشاره شده است. در اجرای این پژوهش از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) سود برده شد. در این راستا برای انجام مطالعه اکتشافی و بدست آوردن شاخص‌های پژوهش، از افراد صاحب‌نظر در ارتباط با موضوع پژوهش، مصاحبه شد و سپس با توجه به مبانی نظری پژوهش و نتایج بدست آمده از مصاحبه، متغیرهای پژوهش بعنوان ابزار سنجش تهیه و تنظیم گردید.

برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش اسنادی (با استفاده از کتاب‌ها، مجلات، آمارنامه‌ها و اینترنت) و میدانی یا پیمایشی (با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه) استفاده شد. در ضمن بحث اعتبار و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد تأیید قرار گرفت.

واحد تحلیل و مشاهده: با توجه به اینکه این پژوهش درصدد بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و رضایت اجتماعی است و متغیرها در سطح فرد مورد بررسی و سنجش قرار گرفته و نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل شده است، پس واحد تحلیل این پژوهش و واحد مشاهده در سطح «فرد» است. اما ابزار مشاهده به صورت مصاحبه رودر رو و با استفاده از پرسشنامه ساخت یافته می‌باشد.

– متغیرهای تحقیق:

در این تحقیق دو متغیر اصلی وجود دارد که در ذیل به تعریف آن‌ها پرداخته می‌شود:

تعریف رضایت: اینگلهارت در کتاب «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی» مفهوم رضایت را اینگونه تعریف می‌نماید: «احساس رضایت از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می‌آید» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۱). برای سنجش این شاخص نیز از رضایت در خصوص وضعیت جامعه، رضایت از نحوه درآمد، رضایت از عملکرد مسئولین و... سوال بعمل آمده است

تعریف امنیت: امنیت در فرهنگ‌های فارسی به معنای «آزادی، آرامش، نبود ترس و عدم هجوم دیگران، آمده است» (محمودی جانگی، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

اسلام امنیت اجتماعی را در تمام ابعاد آن مطرح می‌کند، به طوری که امنیت اجتماعی در آن براساس حفظ مال، آبرو و حیثیت افراد جامعه استوار است و در صورتی که هر کدام از این محورها خدشه دار شوند و کرامت انسان و عزت نفس و شخصیت او مورد لطمه قرار گیرد، امنیت اجتماعی متزلزل و پایه‌های آن سست خواهد شد.

اُل ویور^{۱۹} امنیت اجتماعی را به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط می‌داند، به طور خاص این نوع امنیت درباره حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و رسوم است. ویور گروه‌های ملی، قومی و مذهبی را تن‌ها مخاطبان امنیت اجتماعی می‌داند، چرا که آن‌ها گروه‌های بزرگی هستند که بخشی از قلمرو یک دولت – ملت را اشغال کرده‌اند (نویدینا، ۱۳۸۲: ۸).

امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند. امنیت اجتماعی را غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و برخورداری از امکانات رفاهی و بهداشتی تقسیم می‌کنند.

۱- امنیت شغلی، یعنی ایجاد آرامش و آسایش برای انسان از طریق تأمین شغل در برابر تلاش عادلانه.

۲- امنیت اقتصادی، یعنی ایجاد آن چنان نظم در اجزا و بخش‌های اقتصادی جامعه که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز فرد مصون دارد.

۳- امنیت سیاسی، یعنی امکان اظهار نظر افراد، پیرامون چگونگی اداره امور جامعه و شرکت در این گونه امور بدون احساس بیم، هراس، خطر و تهدید.

۴- امنیت قضایی، نوعی «مصونیت قضایی» شهروندان است که آنان را از هرگونه تجاوز و تعرضی مانند: قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه‌های روحی و جسمی، و سایر مجازات‌های غیرقانونی و به تعبیر دیگر، هر عملی که منافی شئون و حیثیت انسانی او است، مانند: فحشاء، بهره‌کشی و... که براساس موازین، منطقی و قانونی نباشد، در امان می‌دارد (شعبانی، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

19. Ole weaver

شهروندان با مشاهده موارد و جزئیات برخورد دستگاه قضایی با بی قانونی و ناهنجاری های عمومی، به این ادراک و اطمینان دست می یابند که این دستگاه حامی و پشتیبان حقوق مردم است؛ این اطمینان و ادراک را می توان همان «احساس امنیت» نامید؛ گرچه پیش نیاز «احساس امنیت» تحقق «امنیت» است، ولی چنانکه گفتیم لزوماً «تحقق امنیت» احساس امنیت را به دنبال نمی آورد؛ نحوه انعکاس و بازتاب قضایای حقوقی در کشور، نقش عوامل بیرون از دستگاه قضایی و... تعیین «امنیت و احساس امنیت» را با دشواری مواجه می سازد.

بدین ترتیب پس از مشخص شدن گویه های هر شاخص و یکسان کردن جهت گویه ها، با استفاده از دستور ترکیب^{۲۰} متغیرهای تحقیق ساخته شدند؛ اما در این پژوهش پس از ساخت متغیرهای موردنظر با استفاده از دستور کدگذاری مجدد^{۲۱} و سیستم طبقه بندی برحسب فواصل مساوی، میزان هر یک از متغیرهای ساخته شده به پنج دسته: ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد و ۵- خیلی زیاد تقسیم بندی گردید.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد. در این پژوهش برآورد حجم نمونه در بین افراد جامعه آماری از طریق فرمول عمومی کوکران مورد حاسبه قرار گرفت. جامعه آماری ۴۳۵۰ نفر و حجم نمونه آماری ۳۵۲ نفر بدست آمد. در ضمن نمونه گیری جمعیت و مقطع تحصیلی هر پایه در نظر گرفته شد و در نهایت انتخاب افراد نمونه بصورت تصادفی صورت گرفت.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

در این مطالعه، پس از جمع آوری داده ها و اطلاعات بدست آمده، داده ها کدگذاری و وارد نرم افزار آماری شده و سپس بر اساس سئولات، اهداف و فرضیه های پژوهش، مورد پردازش و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. نتایج پژوهش در دو بخش نتایج توصیفی و نتایج تحلیلی (استنباطی) نمایش داده شده اند. بدین صورت که: در بررسی مشخصات افراد مورد مطالعه، میانگین سنی افراد ۲۶ سال بدست آمده، لازم به یادآوری است که بیش از ۶۳ درصد نمونه آماری بین ۱۷ تا ۲۷ سال سن دارند. در ارتباط با وضعیت تأهل نتایج نشان می دهد که ۷۲ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۷ درصد متأهل هستند. در ارتباط با مقاطع تحصیلی لازم به یادآوری است که ۸۶/۶ درصد در مقطع کارشناسی و ۱۳/۴ درصد در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل هستند. در ارتباط با پایگاه اقتصادی و اجتماعی، بیش از ۶۳ درصد از نمونه آماری دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی متوسط و ۱۷ درصد از طبقه بالا و ۲۰ درصد از طبقه پایین هستند.

بررسی میزان رضایت از زندگی در بین پاسخگویان

20. Compute
21. Recode

در پژوهش حاضر تعداد ۱۰ گویه برای سنجش رضایت از زندگی در نظر گرفته شد و در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، گویه‌ها با یکدیگر ترکیب و متغیر رضایت از زندگی ساخته شد. نتایج نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از پاسخگویان دارای رضایت از زندگی در سطح متوسط و ۲۵ درصد در سطح بالا و در مقابل ۱۸ درصد در سطح پایین می‌باشند.

جدول ۱- بررسی درصد فراوانی هر یک از گویه‌های سازنده رضایت از زندگی در بین پاسخگویان

موارد	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
۱- وضع خود را با پنج سال گذشته‌تان مقایسه کنید، تا چه حد اوضاع بهتر شده و چقدر از این بابت احساس رضایت می‌کنید؟	۳/۶	۱۰/۴	۳۱/۷	۴۱/۴	۱۰	۱۰۰
۲- زمانی که وضع خودتان را با حالت ایده آل مقایسه می‌کنید، تا چه حد به آنچه که می‌خواسته اید، رسیده اید؟						۱۰۰
۳- زمانی که وضع خودتان را با دیگران که هم ردیف شما بوده اند، مقایسه می‌کنید، تا چه حد از آنها جلوترید؟						۱۰۰
۴- به چه میزان از رشته تحصیلی‌تان،						۱۰۰





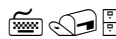
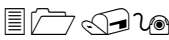



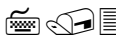






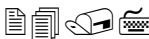

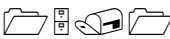

						احساس رضایت می‌کنید و به آن عشق می‌ورزید؟
۱۰۰						۵- تا چه حد از خانواده خود راضی هستید؟
۱۰۰						۶- با توجه به شرایط موجود، احساس می‌کنید به چه میزان به اهدافی تان رسیده‌اید؟
۱۰۰						۷- تا چه حد همسر تان واقعاً شما را درک می‌کند و به شما اهمیت می‌دهد؟
۱۰۰						۸- تا چه حد از وضعیت مسکن خود یا خانواده تان احساس رضایت می‌کنید؟
۱۰۰						۹- با در نظر گرفتن همه جوانب، چقدر در زندگی احساس رضایت می‌کنید؟

بررسی میزان امنیت در بین پاسخگویان :

همان گونه که در مقدمه اشاره شد، امنیت داری سطوحی می‌باشد، پس در این پژوهش برای هر یک از ابعاد امنیت (امنیت شغلی، اقتصادی و...) چند گویه مطرح گردید و گویه‌ها با یکدیگر ترکیب شدند و شاخص‌هایی مانند "امنیت شغلی، امنیت اقتصادی، امنیت برخورداری از امکانات رفاهی و بهداشتی، امنیت قضایی، امنیت سیاسی" ساخته شدند و با ترکیب این شاخص‌ها، متغیر امنیت اجتماعی (در معنای کلی آن) بدست آمد. در ادامه در ابتدا به میزان امنیت اجتماعی اشاره می‌شود و سپس به درصد فروانی ابعاد امنیت اجتماعی پرداخته خواهد شد.

در بررسی سوال‌های مربوط به احساس امنیت اجتماعی مشخص شد که ۵۵ درصد در سطح متوسط، ۲۷ درصد در سطح بالا و در مقابل ۲۸ درصد در سطح پایین احساس امنیت می‌باشند.

جدول ۲- بررسی درصد فراوانی هر یک از ابعاد سازنده احساس امنیت در بین پاسخگویان

مورد	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	جمع
۱- امنیت شغلی	۸/۶	۲۲/۹	۲۶/۲	۲۹/۱	۱۳/۲	۱۰۰
۲- امنیت درآمدی						۱۰۰
۳- امنیت برخورداری از امکانات رفاهی و بهداشتی						۱۰۰
۴- امنیت جانی						۱۰۰
۵- امنیت سیاسی						۱۰۰

نتایج حاصل از آزمون شدت همبستگی

بر اساس نتایج جدول ۳ متغیر رضایت از زندگی با ابعاد امنیت دارای پیوستگی متوسط رو به بالا می‌باشد و از این رو می‌توان نتیجه گرفت که با بالا بودن میزان امنیت، میزان رضایت از زندگی نیز بالا خواهد بود و این نشان از پیوستگی (همبستگی) بین این متغیرها می‌باشد.

جدول ۳- بررسی میزان همبستگی ابعاد امنیت با احساس رضایت از زندگی

همبستگی دو متغیره		
نام متغیر	ضریب همبستگی	Sig.
امنیت شغلی	۰/۵۱	۰/۰۰
امنیت اقتصادی	۰/۴۲	۰/۰۱
امنیت برخورداری از امکانات رفاهی و بهداشتی	۰/۴۳	۰/۰۱

امنیت فضایی	۰/۵۴	۰/۰۰
امنیت سیاسی	۰/۳۹	۰/۰۰

شایان یادآوری است که نقش دیگر امنیت علاوه بر اینکه همبستگی دوجانبه بالایی با رضایت از زندگی دارد، حضور در کنار رضایت از زندگی برای تولید و زایش سرمایه اجتماعی در جامعه می‌باشد و از این رو می‌توان متغیر امنیت را به حلقه اتصال بخش‌های گوناگون یک زنجیر در انتظام بخشی به جامعه تشبیه کرد. حال در ادامه به بررسی تأثیر هر یک از ابعاد بر روی رضایت از زندگی در بین پاسخگویان خواهیم پرداخت:

جدول ۴- رگرسیون چند متغیره برای شناسایی عوامل موثر بر رضایت از زندگی در بین پاسخگویان

شاخص آماری	ضریب همبستگی (R)	R ^۲	R ^۲ تعدیل شده	F	سطح معناداری
مدل رگرسیون	۰.۷۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۶۱.۵۳۲	۰.۰۰۰

منظور از R^۲ میزان برآورد واریانس متغیر رضایت از زندگی می‌باشد، که در این پژوهش مشخص شد که ۵۱ درصد از واریانس (یا تغییرات) متغیر رضایت از زندگی، توسط مجموع متغیرهای مستقل یاد شده در جدول بالا تبیین می‌گردد.

با توجه به مقدار $F = 61/532$ و سطح معناداری به دست آمده $Sig = 0/000$ معنادار می‌باشد ($Sig < 0/05$) و $(F = 61/532)$.

تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر روی رضایت از زندگی

در تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر روی رضایت از زندگی، تمام متغیرهای مستقل (یا تأثیرگذار) پژوهش به برنامه رگرسیونی وارد شدند. از مجموع ۵ متغیر معرفی شده، هر ۵ متغیر به خاطر ضریب رگرسیونی و سطح معناداری کمتر از ۱٪ وارد معادله شدند و به عنوان متغیرهایی بودند که تأثیر مستقیم بر روی رضایت از زندگی داشتند. در ادامه به توضیح و تفسیر مختصر میزان تأثیرگذاری هر یک از این متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش (میزان رضایت از زندگی) پرداخته می‌شود.

جدول ۵- نمایش ضریب رگرسیونی هر یک از متغیرهای پژوهش بر روی میزان رضایت از زندگی

عنوان متغیر	B بتا (استاندارد نشده)	SEB (ضریب خطا)	Beta بتا (استاندارد شده)	T تی تست	Sig سطح معناداری
امنیت اقتصادی	۰/۳۴۴	۰/۰۶۵	۰/۲۳	۵/۲۶۸	۰/۰۰۰
میزان برخورداری از امکانات رفاهی و بهداشتی در جامعه	۰/۳۲۹	۰/۰۶۵	۰/۲۱	۴/۷۷۶	۰/۰۰۰
امنیت سیاسی	۰/۰۸۵	۰/۰۴۱	۰/۰۹۱	۲/۲۰۸	۰/۰۱
امنیت شغلی	۰/۲۹۴	۰/۰۴۰	۰/۳۱	۵/۸۹۶	۰/۰۰۰
امنیت قضایی	۰/۰۹۰	۰/۰۳۹	۰/۱۰	۲/۲۰۷	۰/۰۲۲
عدد ثابت (Constant)	۴/۱۵۲	۰/۶۵۲	-	۶/۴۴۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج بدست آمده متغیر "امنیت شغلی" با ضریب بتای ($Beta = ۰/۳۰$) بالاترین تأثیر را بر رضایت از زندگی داشته است. بنابراین میزان رضایت از زندگی در مرحله اول متأثر از میزان امنیت شغلی است. در ضمن علامت مثبت ضریب این متغیر، نشانگر تأثیر مستقیم آن متغیر بر میزان رضایت از زندگی می‌باشد و معنای $۰/۳۱$ نیز بدین صورت است که با افزایش یک واحد در میزان "امنیت شغلی"، میزان رضایت از زندگی ۳۰ واحد افزایش خواهد یافت. البته در این راستا لازم به توضیح می‌باشد که بین متغیرهای مستقل پژوهش نیز همبستگی وجود دارد (بعنوان مثال بین امنیت شغلی و میزان امنیت درآمدی رابطه همبستگی در سطح قوی ($۰/۶۵$) برقرار است و می‌توان گفت که با بالا رفتن میزان امنیت شغلی، میزان امنیت درآمدی نیز افزایش خواهد یافت و با افزایش امنیت درآمدی، رضایت از زندگی (همان گونه که در ادامه خواهد آمد) هم بالا خواهد رفت.

اما "میزان امنیت درآمدی" با ضریب بتای ($Beta = ۰/۲۳$) دومین متغیر تأثیرگذار بر رضایت از زندگی است. بنابراین رضایت از زندگی در مرحله دوم، وابسته به میزان امنیت درآمدی است، علامت مثبت ضریب این متغیر نیز نشانگر تأثیر افزایش آن بر روی رضایت از زندگی است. یعنی هر چه میزان و سطح امنیت درآمدی بالا رود، میزان رضایت از زندگی نیز افزایش می‌یابد. معنای $۰/۲۳$ نیز بدین صورت است که با افزایش یک واحد در میزان امنیت درآمدی، میزان رضایت از زندگی ۲۳ واحد افزایش خواهد یافت.

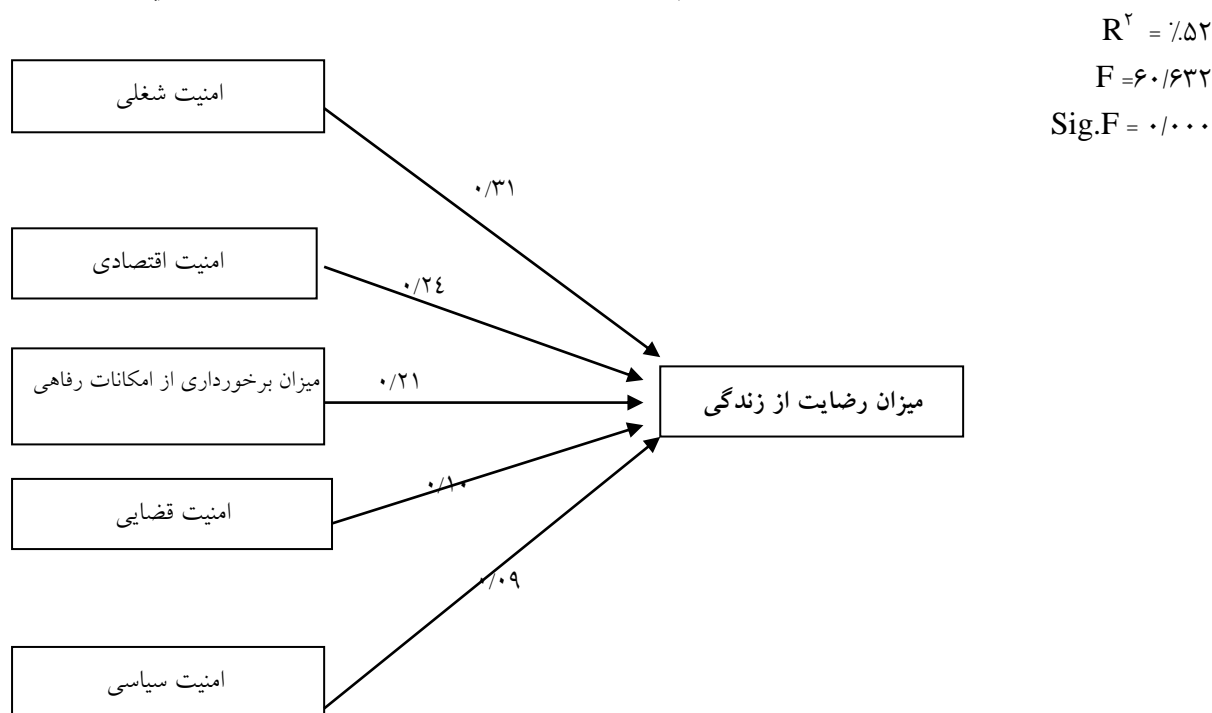
سومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است «امنیت برخورداری از امکانات بهداشتی و رفاهی» است. ضریب تأثیر رگرسیون این متغیر برابر با $(Beta = ۰/۲۱)$ است. یعنی هر چه امنیت برخورداری از امکانات بهداشتی و رفاهی در بین دانشجویان بالا رود، رضایت از زندگی نیز به موازات آن افزایش می‌یابد.

اما امنیت جانی (با ضریب بتای $Beta = ۰/۱۱$) بر رضایت از زندگی تأثیر دارد. یعنی به ازای هر یک واحد افزایش در میزان امنیت جانی، میزان رضایت از زندگی ۱۱ واحد افزایش خواهد یافت.

پنجمین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است "میزان امنیت سیاسی با" ضریب تأثیر رگرسیونی برابر با (۰/۰۹) می باشد براین اساس می توان گفت که به ازای هر واحد بالا رفتن میزان برخورداری اعضاء از آموزش، میزان رضایت از زندگی نیز ۹ واحد افزایش می یابد.

مقدار آزمون فیشر بدست آمده ($F = 79/772$) که در سطح کاملاً معناداری است ($\text{Sig.f} = 0/00$). این نتیجه بیانگر رابطه معنادار مجموعه های متغیرهای مستقل با متغیر وابسته "میزان رضایت از زندگی" است. مقدار ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره ($R = 71\%$) نمایشگر همبستگی قوی مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر میزان رضایت از زندگی است. اما مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 51/0$) بیان کننده نسبت بالاتر از متوسطی از واریانس (تغییرپذیری) میزان رضایت از زندگی توسط ۵ متغیر مستقل (یا تأثیرگذار) ذکر شده در بالا می باشد. یعنی با توجه به ۵ متغیر یاد شده و کاربست درست و صحیح آنها می توان تا حدود ۵۲ درصد میزان رضایت از زندگی را بالا برد.

نمودار ۱- تحلیل میزان تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر روی میزان رضایت از زندگی



نتایج بدست آمده از رگرسیون چند متغیره در خصوص تأثیر عوامل بر رضایت از زندگی نشان می دهد که اولین و مهمترین عامل، امنیت شغلی می باشد و این عامل با ضریب بتای ($\beta = 0/31$) بر روی رضایت از زندگی موثر است. اما عامل دوم میزان امنیت اقتصادی پاسخگویان می باشد و عامل سومی که می تواند در تقویت رضایت از زندگی تأثیر داشته باشد، امنیت برخورداری از امکانات رفاهی و بهداشتی می باشد. پس در مجموع می توان گفت که میزان رضایت از زندگی دانشجویان مورد مطالعه در گام اول به امنیت شغلی و امنیت اقتصادی آنان بستگی دارد.

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت امنیت اجتماعی در بالا بردن رضایت از زندگی باید در جستجوی راه‌هایی بود که بتوان آن را افزایش داد. زیرا این متغیر دارای بالاترین ضریب همبستگی با میزان احساس رضایت اجتماعی می‌باشد و عدم توجه به آن می‌تواند باعث گسترش نارضایتی و در نتیجه ایجاد شکاف بین مردم گردد. زیرا نتیجه حکایت از آن دارد که هر چه افراد به لحاظ اجتماعی و فضای عمومی جامعه نگران باشند، به فرد گرایی پناه برده و سعی دارند که برای آینده شخصی خود سرمایه‌گذاری کرده و به فکر امنیت شخصی خودشان باشند و در نتیجه از میزان روحیه جمع‌گرایی آن‌ها کاسته می‌شود و همین امر موجب کاهش اعتماد اجتماعی و میزان احساس رضایت شده و در نهایت به ایجاد جامعه‌ای با میزان آنومی یا آشفتگی بالا منجر خواهد شد. پس با توجه به وضعیت جامعه ما که یک جامعه در حال گذار هستیم، عدم توجه به شاخص امنیت می‌تواند تاثیر فزاینده‌ای بر بهم ریختن انسجام و یکپارچگی داشته و در نتیجه به عنوان سدی، مانع برقراری احساس رضایت اجتماعی گردد.

بدین ترتیب اگر امنیت در سطح جامعه وجود داشته باشد فعالیت‌های سالم اجتماعی زمینه بروز پیدا می‌کنند، و افراد به راحتی و با هزینه کمتر اقتصادی و اجتماعی خواهند توانست برنامه‌های خود را در راستای برنامه‌های جامع کشور و در جهت توسعه و اصلاح امور جاری جامعه، ارائه داده و احساس رضایت کنند. اما اگر امنیت اجتماعی وجود نداشته باشد، فعالیت‌های سالم بی ثبات می‌شوند و فعالیت‌های ناسالم و حتی مخل اجتماعی جایگزین آن می‌گردند، که توسعه اقتصادی - اجتماعی را هم تحت تاثیر قرار می‌دهند

بر این اساس، با توجه به اینکه این پژوهش در دانشکده علوم اجتماعی و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال صورت گرفته پیش‌نهاد می‌شود که ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های لازم درباره بازار کار رشته‌ها و گرایش‌هایی که دانشجویان مشغول به تحصیل هستند، می‌تواند سبب افزایش امید به آینده کاری در میان دانشجویان شده و همچنین آزادی بیان در ابزار عقاید و ایده‌ها، می‌تواند باعث احساس امنیت و در نتیجه تقویت میزان احساس رضایت در زندگی آن‌ها گردد.

ایجاد امنیت عینی که خود خالق‌کننده احساس امنیت در سطح اجتماع و در بین عموم مردم است، باید به عنوان متغیر کلیدی مورد مطالعه قرار گیرد؛ زیرا اگر نبود احساس امنیت در بین تعدادی از مردم (و یا حتی در بعضی از زمینه‌ها) بوجود آید، خیلی سریع بصورت تضاد هندسی در بین عموم مردم این احساس نبود امنیت شایع می‌شود و در نتیجه در سطح اجتماع گسترش یافته و از این طریق احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در بین مردم، نسبت به یکدیگر بوجود می‌آید. علاوه بر این فعالیت مسئولین در زمینه مسائل اقتصادی و ایجاد نوعی امنیت اقتصادی برای تولید کنندگان و قشرهای گوناگون اقتصادی می‌تواند در گسترش امنیت اجتماعی در بین مردم مؤثر واقع گردد. پس منظور ما از امنیت در این نوشتار ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود و در واقع هدف، احساس آرامش و نوعی تأمین خاطر برای اقشار اجتماع و نوعی نبود وجود زمینه فعالیت برای قشرهای تبهکار و یا زمینه نامساعد برای فعالیت‌های ناسالم در جامعه می‌باشد.

منابع

- لرنی، منوچهر. (۱۳۸۳)، آسیب شناسی امنیت، تهران: انتشارات پیام پویا، چاپ اول.
- آخوندی، عباس و دیگران. (۱۳۸۸)، شناخت کیفیت زندگی در شهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، وابسته به شهرداری تهران.
- احمدی، حبیب و همکاران. (۱۳۸۶) بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه توسعه انسانی دانشگاه چمران اهواز، شماره چهارم،
- ازکمپ، استوارت. (۱۳۷۰)، «روانشناسی اجتماعی کاربردی»، ترجمه: فرهاد ماهر، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- انصاری، حمید. (۱۳۸۲)، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا معاونت اجتماعی ناجا، گزارش منتشر نشده.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، انتشارات امیرکبیر.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ترنر، جاناتا اچ و آلیگی. (۱۳۷۰)، نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- خوش فر، غلامرضا. (۱۳۸۲)، بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی "مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا.
- صفری شالی، رضا. (۱۳۸۶)، بررسی احساس امنیت اجتماعی و جایگاه آن در سرمایه اجتماعی، موسسه عالی آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- صفری شالی، رضا. (۱۳۷۸)، تأثیر مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش نظم و دانش، معاونت اجتماعی ناجا.
- غفاری، غلامرضا؛ رضا امیدی. (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی، تهران: انتشارات شیرازه، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مازلو، آبراهام اچ. (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت، ترجمه: احمد رضوانی، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵)، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، نامه پژوهش، شماره ۱، مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- محمودی جانکی، فیروز. (۱۳۷۶)، «امنیت و ناامنی در پرتو سیاست جنایی»، مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد ۲، تهران: وزارت کشور.

- نصری، قدیر. (۱۳۷۸)، معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت، برگرفته از جزوه مفهوم شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات)، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی، (گزارش منتشر نشده).
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲)، "درآمدی بر امنیت اجتماعی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲)، "گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی"، چکیده مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- ویور، آل. (۱۳۸۰)، امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن، ترجمه: مرادعلی صدوقی، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال اول، شماره ۳ و ۴.
- رفیقی نمین، شمسی. (۱۳۸۷)، تبیین رضایت از زندگی در بین سه قشر اجتماعی کارگر، کارمند و کاسب منطقه ۱۰ شهر تهران، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی. (۱۳۸۸)، رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن، فصلنامه پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول شماره سوم.

- Hare, Rom (1995), "**Trust and Its Surrogates: Psychological Foundations of Political Process.**" Democracy and Trust. Cambridge university press.
- Monsbridge, Jane (1995), "**Altruistic Trust**", Democracy and Trust Cambridge university press.
- Safari Shali, Reza (2010), "**Investigation of Life Satisfaction and Factors affecting on it Among Citizens of Iran**" UPR report of Iran, February 2010, united nation human Rights, Geneva,(www.ohchr.org).
- Smith, Peter. B. (1998), "**Social Psychology Across Cultures**", Prentice & Hall Europe. Second edition.